

نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در گفت و گو با «شهر وند»:

## برنامه‌ای برای تشویق مردم به مشارکت‌های جمعی نداریم



طرح نو! مردم ایران دارای ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی خاصی هستند که شاید در کمتر کشوری می‌توان چنین خصوصیات را یافت. از جمله آن که برخی از کارشناسان با استناد به شواهد مستنداتی می‌گویند ایرانیان بیش از آن که برای کارهای جمعی آمادگی و اشتیاق داشته باشند، می‌خواهند کارها را به صورت فردی انجام دهند. نتیجه این ویژگی را می‌توان در بخش‌های مختلف دید. از جمله در مسابقات ورزشی، ایران در اکثر رشته‌های انفرادی دارای مقام‌های جهانی و المپیکی است، اما هنوز برای راه یافتن به مسابقات مهم

تیمی مانند جام جهانی فوتبال، بسکتبال، هندبال و ... هزار و یک مشکل داریم. یا این که هیات‌مدیره یا جمع‌های مشورتی در بخش‌های دیگر مانند صنایع یا ادارات دولتی کشورمان، بیشتر جمع‌های تزیینی و صورتی هستند تا یک گروه موثر در تصمیم‌گیری‌های کلان و تصمیم‌سازی‌ها. ما ایرانیان تروس و واهمه‌ای هم برای عیان کردن این ویژگی خود نداریم و به همین دلیل است که فلان پیشکسوت بزرگ ورزشی ما مدیریت فنی و گروه‌های مشورتی را به راحتی «کشک» می‌داند. یا این اوصاف شاید ایرانیان در فردگرایی، آن هم نه نوعی فردگرایی

اخلاقی بلکه فردگرایی به معنای خودمحوری، مردمانی پیشرو هستند. موضوع پرورده امروز نماینده مردم زنجان و طارم و نایب رئیس کمیسیون اجتماعی در میان گذاشتیم...

● برخی از کارشناسان معتقدند که ایرانیان در چند دهه گذشته بیش از گذشته به فردگرایی (به معنی خودمحوری) مبتلا شده‌اند. آیا این تحلیل‌ها را قبول دارید؟

در این موارد نمی‌توان قطعی سخن گفت، چرا که مواردی از این دست نسبی است. در این حوزه‌ها باید

## دچار فردیت افراطی شده‌ایم!

رقیه جمالی | مدرس جامعه‌شناسی



که برنامه‌های آن از مدت‌ها قبل تدوین شده بود با او شب و روز همراه می‌شد. ما به شکلی داریم پیش می‌رویم که با یک دنیای رقابتی روبه‌رو هستیم که همه افراد تنها به خودشان می‌اندیشند و سعی می‌کنند که تنها به آینده و زندگی خود فکر کنند و فقط به آن چه خود می‌اندیشند ایمان دارند. نکته قابل بررسی که باید به آن پرداخت این مسأله است که تمایل به فردگرایی و زندگی مجردی در شهرهای کوچک هم در حال نفوذ و گسترش است و شهروندان آن شهرها مثل شهروندان تهرانی و دیگر شهرها، تمایلی به جمع‌گرایی و فعالیت گروهی یا حتی مسأله ازدواج ندارند. در صورتی که بر کسی پوشیده نیست که کار جمعی باعث می‌شود که پیشرفت بیشتری در امور مختلف ایجاد شود. به عنوان مثال، من در کلاس‌های درس همیشه سعی کرده‌ام بر ضرورت کار گروهی تأکید کنم و از همین قضیه هم نتیجه گرفته‌ام. هر وقت هم که قرار است کنفرانسی ارائه شود، دانشجویان را به صورت گروهی تقسیم‌بندی می‌کنم و هنگام ارائه درس نیز از بچه‌ها

می‌خواهم که صندلی‌های خود را به گونه‌ای در آویزند که دایره‌ای شکل باشد. من در بین همکاران خود در جامعه دانشگاهی هم می‌بینم که بسیاری از افراد دچار فردگرایی شده‌اند و از کار جمعی و گروهی می‌گریزند. تعدادی از دانشجویان من در منازل مجردی زندگی می‌کنند، نه با خانواده خود. جالب آن جاست که حتی آنهایی که از وضع زندگی خوبی هم برخوردار هستند از مسأله ازدواج گریزان‌اند.

در تفکر جمع‌گرایی به خانواده و گروه اهمیت زیادی داده‌می‌شود و فعالیت‌ها بر اساس مشورت انجام می‌شود، در این تفکر سعی بر آن است که از صحبت‌های گروهی بهره برده شود. این تفکر کمال‌در مقابل تفکر فردگرایی قرار دارد و بنا بر سنت‌ها و آیین‌ها پیش می‌رود. ایرانیان در دوره‌های اخیر تغییرات بسیاری کرده‌اند. آنها رفقرفته تمایل بیشتری به فردگرایی پیدا کرده‌اند و تنها به زندگی خود می‌اندیشند. در صورتی که در گذشته تمام اهالی یک کوچه یا محله از حال یک دیگر با خبر بودند و مهمانی‌های بزرگی با وجود آنها شکل می‌گرفت. اما حالا در یک آپارتمان کوچک هم افراد به زندگی

ابتدا شناخت دقیقی از موضوع داشته و سپس به مقایسه بپردازیم. یعنی این که شرایط فعلی جامعه ایران را با دیگر جوامع مقایسه کرده و با رسم جدول و نموداری، جایگاه خود را پیدا کنیم. به نظر من در حوزه استقبال مردم برای مشارکت در امور اجتماعی و کارهای جمعی و گروهی نسبت به برخی از کشورهای وضعیت بهتری داریم، اما در مقایسه با کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته ضعف‌هایی داریم که انکار ناپذیر بوده و یک واقعیت اجتماعی است. واقعیت این است که مادر مقایسه یا حداقل ۵۰ سال اخیر، از برخی فرهنگ‌های بومی دور می‌شویم و نسل جدید بیشتر به تنهایی و انزوا گرایش دارند تا مشارکت جمعی. به همین دلیل شاهد رفتارهایی در جامعه هستیم که نشانه خودمحوری، بی‌توجهی به مسائل اجتماعی و فاصله گرفتن از کارهای گروهی هستیم.

● **قاب‌شدن این وضعیت را ناشی از چه عواملی می‌دانید؟**

این موضوع مهمی است و باید به صورت علمی و ریشه‌ای به آن پرداخته شود. لذا ما نیاز داریم که کارگروه‌هایی متشکل از متخصصان، اساتید دانشگاهی و افراد نخبه در علوم جامعه‌شناسی و روانشناسی، مورخان، مسئولان دستگاه‌های مرتبط تشکیل شده و با انجام تحقیقات میدانی، موضوع به‌طور دقیق ریشه‌یابی شود. به همین علت نمی‌توان خیلی دقیق پاسخ این پرسش را بدهیم. اما به صورت کلی می‌توان گفت که دلایلی از جمله توسعه تکنولوژی و تمایل به زندگی شهری از جمله عوامل مهم در انزواطلبی مردم بوده است.

طی سال‌های اخیر تکنولوژی‌های نوین در اکثر جوامع جهان جایگاه ویژه‌ای یافته و می‌بینیم مردم به جای انجام کارهای گروهی بیشتر تمایل به استفاده از رایانه‌های شخصی، تبلت‌ها و... دارند. اگر در دهه‌های ۲۰ و ۴۰ بازی‌های گروهی در ایران و در میان نسل جوان رایج بوده، امروز جوانان و نوجوانان ما بازی‌های رایانه‌ای استفاده می‌کنند. ماهیت این دستگاه‌ها و ابزارهای نوین فردی است و افراد نمی‌توانند که به صورت جمعی کار کنند. توسعه رسانه‌ها نیز می‌تواند در این امر دخالت داشته باشد. در گذشته اطلاع‌رسانی به صورت چهره‌به‌چهره و گفت‌وگو انجام می‌شد و اگر می‌خواستند هنری را هم تماشا کنند به تماشای تئاتر رفته یا در ایران به تماشای پرده‌خوانی و تئاتر می‌رفتند. اما امروز افراد پای تلویزیون نشسته و بدون نیاز به حضور جمعی برای خود سرگرمی‌های مختلفی ایجاد می‌کنند یا با خرید لوح‌فشرده فیلم‌ها در منزل و در تنهایی آنها را تماشا می‌کنند. از سوی دیگر گسترش زندگی شهری نیز به این وضعیت دامن زده است. این خاصیت شهرهای بزرگ است که به‌رغم افزایش جمعیت، مردم از هم دور شده و دیگر مانند زندگی روستایی و شهرهای کوچک اجتماع‌ها و گروه‌های کوچک دوره هم جمع نمی‌شوند. در دهه‌های گذشته نسبت شهرنشینی و زندگی روستایی در ایران به این صورت بود که ۷۰ درصد مردم در روستاها زندگی کرده و تنها ۳۰ درصد در شهرها ساکن بودند. اما این نسبت امروز برعکس شده است. طبیعی است، فردی که در زندگی پر مشغله شهری، گرفتاری‌های زیادی پیدا می‌کند، دیگر مانند حضور در یک شهر کوچک نمی‌تواند وقت برای کارهای جمعی و گروهی اختصاص دهد. امروزه اکثر افرادی که گرفتار زندگی مدرن شهری شده‌اند، تلاش دارند تا وقتی را برای افزایش زندگی پیدا کرده‌ود به گوشه‌های خلوت پناه ببرند.

● **به نظر شما آیا نهاد‌های حاکمیتی برای تشویق مردم به کارهای جمعی و دور شدن از فردگرایی منفی برنامه‌ای دارند؟** به‌طور قطع مسئولان ارشد کشور و نهادهای اصلی از جمله قوه قضائیه، واقتصاد را می‌دانند و در این زمینه دغدغه دارند. اما در این حوزه نه برنامه‌ای برای تشویق مردم به کارهای جمعی داریم و نه تلاش جدی انجام شده است. به همین دلیل است که می‌بینیم هر روز از فرهنگی که در گذشته داشتیم، دورتر شده و اگر به این مقوله به‌صورت جدی و علمی نگاه نکنیم، در آینده آسیب‌های اجتماعی بیشتری را متحمل می‌شویم.

### مصطفی اکبریان

جامعه‌شناس



یکی از ویژگی‌های بارز جوامع در حال گذار یا در حال توسعه، تحقق پیدا کردن شرایط فردگرایی است. ما وقتی به ساختار جوامع در حال تغییر و دگرگونی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که هر چه به طرف پیشرفت و توسعه یافتگی قدم برمی‌دارند، مقوله فردگرایی نیز در آن جامعه پررنگ‌تر می‌شود. بنابراین اگر ما بخواهیم جامعه مدرن، مقایسه کنیم، می‌توانیم بگوییم که ویژگی جامعه ساده، اهمیت دادن به اجتماع و در عین حال، شرایطی است که در تصمیم‌گیری‌های جمعی همواره رعایت می‌شود. از طرف دیگر، ویژگی جامعه توسعه‌یافته و پیشرفته، اهمیت دادن و محقق کردن فردگرایی است. بحث فردگرایی از یک طرف جزو جلوه‌ها و مظاهر جامعه پیشرفته است؛ و می‌تواند واجد پیامدهای مثبت و نیز پیامدهای منفی باشد. پیامدهای مثبت، این است که زمینه ایجاد خلاقیت و تباور یافتن استعدادها، ابداعات، نوآوری‌ها و در عین حال، خودسازاری را برای فرد به‌وجود می‌آورد. همین

مهم‌توانسته زمینه پیشرفت و دگرگونی جوامع را فراهم کند. در عین حال پیامدهای منفی آن می‌تواند به نوعی زمینه‌های غرور کاذب یا به تعبیر دیگر، زمینه دور شدن از دیگران، عدم مشورت با دیگران و منیت را در فرد به‌وجود بیاورد که همین مسأله می‌تواند در درازمدت، موجب نابسامانی‌هایی در جامعه شود. پس آنچه که باید به آن توجه داشته باشیم، این است که بحث تغییر و دگرگونی، یک امر

کاملاً بدیهی است که در تمام جوامع به‌وجود می‌آید و به دنبال آن، ویژگی مهم مورد نظر هم تحقق پیدا می‌کند. اما بستر باید در جامعه به گونه‌ای فراهم شود که آن ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه کم‌رنگ نشود و مورد بی‌توجهی قرار نگیرد. باید این مسأله را هم مدنظر قرار دهیم که یک جامعه زمانی می‌تواند موفق باشد که در جریان این گذار، پیوندی را میان سنت و مدرنیته فراهم کند. یکی از دلایلی که می‌تواند این پیوند را موجب شود، از طرفی «اهمیت دادن به فردگرایی» است، که به‌عنوان یکی از ویژگی‌های جوامع پیشرفته شناخته می‌شود و از طرف دیگر، «مشورت گرفتن»، اهمیت دادن و توجه به دیگران است.

لذا فردگرایی که در ایران وجود دارد در آن چیزی که در غرب، تحت عنوان اصالت فرد شناخته می‌شود، کاملاً متفاوت است. آنچه که در دنیای غرب شاهد هستیم، مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی آن جوامع است که به هیچ وجه با جامعه ما تناسبی ندارد. همچنین چیزی که در جامعه ما دیده می‌شود، متأسفانه، الگویی از آن فردگرایی است.

این الگو برداری از آن جوامع، با ویژگی‌های فرهنگی جامعه ما مغایرت دارد. از این بابت است که باید سعی کنیم پیوند و ارتباطی را میان فردگرایی و جمع‌گرایی و جامعه‌گرایی، در جامعه خودمان ایجاد کنیم. جامعه ما جامعه‌ای است که هنوز مرحله سنت را پشت سر گذاشته و به مرحله مدرنیته نیز نرسیده است.

باید با تأکید و توجه به هر دو طرف، شرایط مناسبی را در جریان تغییر جامعه به‌وجود

## توسعه یافتگی و مسأله فردگرایی

بیاوریم. در غیر این صورت، اگر بخواهیم صرفاً به جامعه‌گرایی اهمیت بدهیم، نمی‌توانیم به مدرنیته برسیم. همچنین اگر صرفاً فردگرایی را مورد توجه قرار دهیم، به خاطر باورها، اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی‌مان که هنوز در جامعه ما خاص و مهم است، موفق نخواهیم شد.

اگر بخواهیم چند مثال و مصداق عینی برای این مقوله، یعنی فردگرایی ذکر کنیم، می‌توانیم به بعضی رفتار خانواده‌ها اشاره کنیم. رفتاری که باعث افزایش آمار طلاق می‌شود؛ و این، یکی از دلایل ایجاد فردگرایی، آن هم از نوع کاذب در جامعه امروز است. نسل امروز، نظر مشاوره‌ای بزرگترها را مورد توجه قرار نمی‌دهد. می‌خواهد خودش برای خودش تصمیم بگیرد؛ انتخاب کند؛ اقدام کند و در نهایت اگر خودش وصل کرده، خودش هم قطع کند. چنین رفتارهایی می‌تواند یکی از مصداق آسیب فردگرایی باشد. مثال دیگری که می‌توانیم به آن اشاره کنیم، فردگرایی در محیط شغلی است. افراد گمان می‌کنند که همه چیز را می‌دانند؛ چون سطح تحصیلات، آگاهی، دانش و معلوماتشان بالا رفته لذا نیاز و لزومی به ارتباط و مشورت با دیگران و استفاده از تجربیات آنها نمی‌بینند. همین موضوع باعث می‌شود که در محیط

کاری نیز تصور کنند که موفق هستند اما موفقیت مطلوب را ندارند. چرا که تنها خودشان تشخیص داده‌اند، عمل کرده‌اند و لذا اگر تصمیمات غلطی را در رفتار شغلی و کاری‌شان وارد کنند، خود، متوجه آنها نخواهند شد.

موارد مختلف دیگری را می‌توان ذکر کرد که در جامعه امروز ما، خصوصاً یکی، دو دهه اخیر، بسیار رواج پیدا کرده و موجب نابسامانی‌هایی شده است.

یکی از عواملی که می‌تواند در رفتار مسئولان یا مردم به آن اشاره کرد که موجب ترویج فردگرایی می‌شود، اهمیت ندادن به «ان‌جی‌او»هاست. ان‌جی‌او‌ها، نیاز جامعه هستند. به همین خاطر است که در جوامع پیشرفته، چنین سازمان‌های مردم‌نهاد وجود دارند و توسعه پیدا می‌کنند. اگر در جامعه ما اهمیتی برای وجود «ان‌جی‌او» قابل نیستند، یا آنها را تعطیل می‌کنند یا به آنها مجوز نمی‌دهند، به دو علت است؛ یکی این که مسئولان و دست‌اندرکارانی که در این زمینه دخالت دارند، ضرورت وجود این سازمان‌ها را تشخیص نمی‌دهند؛ و از طرف دیگر ممکن است ما هنوز معنا و مفهوم واقعی «ان‌جی‌او» را متوجه نشده باشیم. متأسفانه ما در حال

الگو برداری هستیم. آن هم الگو برداری غلط. وقتی می‌بینیم که در غرب، «ان‌جی‌او»های متعددی وجود دارد، نتیجه می‌گیریم که پس ما هم باید داشته باشیم. اما نمی‌بینیم که فلسفه ایجاد این تشکلات در یک جامعه پیشرفته چه بوده و آیا توانسته دردی را دوا کند و نیازی را پاسخ دهد؟ همه این مسائل شاید به‌عنوان مسائلی باشد که مسئولان تشخیص می‌دهند که یک «ان‌جی‌او» فعال نباشد. در صورتی که نقش عمل بسیار مهم است. یعنی باید تشکلاتی مردم‌نهاد وجود داشته باشند و به آنها بها داده شود. اما از طرف دیگر نباید تنها کمیت و تعداد آنها را در نظر بگیریم، بلکه باید کمیت و کیفیت یا بازدهی لازم در کنار یکدیگر در نظر گرفته شوند. «ان‌جی‌او»ها می‌توانند، ما را از فردگرایی خود، افراد دیگر جامعه را هم مانند خود می‌بینند و به‌عنوان عضوی از جماعتی خودمحور، از دیگران مثل ابزاری برای رسیدن به اهداف و تحقق منافع خود بهره می‌برند، که این نوع زندگی خودخواهانه از نظر اجتماعی ارزش و اعتباری ندارد و خصوصاً بزرگی برای توسعه یافتگی محسوب می‌شود.

ادامه از صفحه ۹

## زندگی ایرانی در محدوده رفیع نیازها و تحقق منافع شخصی

به عقیده صاحب‌نظران علوم جامعه‌شناسی، فردگرایی منجر به ظهور نمادهای اخلاقی ناشایست می‌شود؛ تکیه بر خودمحوری و خودکامگی. متأسفانه جنبه‌هایی که امروز در جامعه ایران دیده می‌شود هم اغلب مظاهر منفی و ضد اخلاقی فردگرایی است. به‌طوری که مردم ما دست‌کم در زیست شهری گرایش به گذران زندگی در محدوده رفیع نیازها، تحقق منافع، مصالح شخصی و خصوصی خود بدون در نظر گرفتن منافع دیگران هستند که این مفهوم خودکامگی است.

این فردگرایی از سوی دیگر در تلاش و تقلا و همیشگی افراد در امور شخصی و خصوصی،